



انجمن ایرانی حقوق جزا

نشریه علمی

پژوهشنامه حقوق کیفری

سال شانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، پیاپی ۳۲



دانشگاه گیلان

صفحات مقاله: ۷-۳۱

مقاله پژوهشی

«نابودسازی آموزشی و علمی» به مثابه یک جنایت جنگی

۱- حسین میرمحمد صادقی

استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- حمیدرضا حیدرپور *

پژوهشگر پسادکترای حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

✉ hrh_1364@yahoo.com

۳- ژيلا مهرآرا

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه میبد، یزد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۹/۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

چکیده:

«نابودسازی آموزشی و علمی»، عبارت است از تهاجم عامدانه به زیرساخت‌ها، نهادها و عناصر علمی، پژوهشی آموزشی که می‌توان گونه‌های آن را در دو طیف نابودسازی فیزیکی و نابودسازی کارکردی، دسته‌بندی کرد. بعد فیزیکی نابودسازی آموزشی و علمی، شامل رفتارهایی از جمله تخریب و نابودسازی سازه‌ها و ساختمان‌های آموزشی و علمی و پژوهشی است و در مقابل، ترور دانشمندان و پژوهش‌گران و ایجاد توقف در فعالیت نهادها و موسسات علمی و آموزشی و یا ممنوعیت اصحاب علم و دانش از فعالیت‌های آموزشی و علمی و پژوهشی، نمونه‌های نابودسازی کارکردی هستند. با عنایت به ماهیت، ویژگی‌ها و تبعات خاص نابودسازی آموزشی و علمی، به نظر می‌رسد در شناسایی آن به عنوان یک جنایت جنگی و رفتاری کاملاً مغایر با حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی، تردیدی وجود ندارد. در نوشتار حاضر، جنبه‌های مختلف نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک جنایت جنگی آشکار، مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نابودسازی آموزشی و علمی، جنایت جنگی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری بین‌المللی، اجوساید.

مقدمه

جنگ و مخاصمه مسلحانه، پدیده جدیدی نیست و بشریت حاضر، قرن‌هاست با تبعات و آثار آن، دست به گریبان است اما برخی از رفتارهای خلاف قواعد جنگ، از حیث پدیدارشناختی، نمونه‌های جدید و نوآورانه‌ای هستند. نابودسازی عمدی زیرساخت‌های آموزشی، پژوهشی و علمی، یکی از این رفتارهاست. وقوع و تکرار این رفتار، بیش و کم، موضوع محافل و نوشتگان حقوقی بوده اما به ویژه در برخی مخاصمات مسلحانه اخیر (از جمله و به‌ویژه در حمله آمریکا به عراق و افغانستان و نیز تهاجم اسرائیل به غزه)، به نحو جدی‌تری، توجه تحلیل‌گران را به خود جلب کرده است.

در نابودسازی آموزشی و علمی، آنچه معمولاً به طور مستقیم و یا به نحو غیر مستقیم، آسیب می‌بیند، زیرساخت‌ها و اجزای فعال در ساختار آموزشی و علمی و پژوهشی کشورهاست. از دیگر سو، بارزترین و مبتلا به‌ترین بستر وقوع این شکل از نابودسازی، وقوع مخاصمه و جنگ است. در واقع، نابودسازی آموزشی و علمی، یکی از قابل پیش‌بینی‌ترین نتایج و تبعات ناشی از استقرار وضعیت جنگی در سرزمین‌ها و کشورهای مورد تهاجم است. در برخی موارد حاد، نابودسازی آموزشی و علمی در طول مخاصمات مسلحانه، دستاوردهای شهروندان یک کشور را به طور کامل، از میان می‌برد و موجب می‌شود کشور مورد تهاجم، سال‌ها بلکه دهه‌ها و سده‌ها از چرخه رشد، پیشرفت و توسعه علمی و آموزشی عقب بماند.

پیش‌فرض کلی در مورد نابودسازی آموزشی و علمی، آن است که همانند جلوه‌های دیگر جنایت جنگی و نیز هم‌پایه با پدیده‌هایی چون نسل‌کشی، رخدادی به شدت مخرب و بنیان‌کن است. در تحلیل این پدیده می‌توان گفت شاید صرفاً بتوان موضوع و قلمروی آسیب ناشی از آن را با پدیده‌هایی چون نسل‌کشی یا تخریب محیط زیست، متفاوت دید و گر نه حجم و میزان ایراد خسارت وارد شده ناشی از رفتار، اهمیتی کمتر از پدیده‌های مورد اشاره ندارد. بدین ترتیب، نابودسازی آموزشی و علمی، رفته‌رفته، بیشتر و بیشتر، هم در افکار عمومی و هم در دیدگاه‌های تخصصی، موضوع توجه قرار گرفته و به ویژه آثار و تبعات آن، مورد توجه افزون‌تر واقع شده است. با این حال، تحلیل نظری این پدیده، آنچنان که باید و شاید، در ادبیات حقوقی، جلوه‌گر نیست و لذا تحقیق و پژوهش در باب چیستی نابودسازی آموزشی و علمی و بحث از ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده آن به مثابه یک رفتار مجرمانه و نیز مطالعه ابعاد اثرگذاری آن، ضروری به نظر می‌رسد. نوشتار حاضر نیز با هدف رفع این خلاء، نگارش یافته و عرضه شده است.

امروزه، رویکردهایی مبنی بر شناسایی نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک مصداق خاص و قابل توجه از جنایت جنگی - به عنوان یکی از جرم‌های داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی -، در میان نظریه‌پردازان حقوق کیفری بین‌المللی، شکل گرفته است. از آنجا که ادبیات پژوهشی در کشور ما پیرامون این نوع جنایات جنگی، چندان غنی نیست و نیز نظر به ماهیت خاص پدیده نابودسازی آموزشی و علمی و نیز با عنایت به آثار و پیامدهایی که به دنبال دارد، در مقاله حاضر، کوشش بر آن است که با ملاحظه برخی نمونه‌ها و مصادیق برجسته نابودسازی آموزشی و علمی در زمانه فعلی، ابتدا مفهوم، ارکان تشکیل‌دهنده و پیشینه تاریخی این مصداق از جنایات جنگی، بررسی شود و همچنین به طور خاص، از سه منظر حقوق بشردوستانه، حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق بشر (به ویژه با مذاقه بر سه حق مسلم بشری یعنی حق بر آموزش، حق بر توسعه و حق بر صلح)، تحلیل گردد.

۱. چیستی نابودسازی آموزشی و علمی و چگونگی مفهوم سازی آن در ادبیات حقوقی

واژگان گوناگونی برای توصیف «نابودسازی آموزشی و علمی»^۱ مورد استفاده بوده است از جمله «نابودسازی آموزش»^۲ و «آموزش‌کشی»^۳ بر این پایه، نابودسازی آموزشی و علمی را می‌توان اقدام در راستای نابودسازی زیرساخت‌ها، نهادها، عناصر و ارکان آموزشی، علمی و پژوهشی که به یک جمعیت انسانی خاص تعلق دارند، محسوب کرد.^۵

بر این مبنا، تهاجم و حمله عمدی به زیرساخت‌های آموزشی، پرورشی، علمی و پژوهشی در یک مفاد کلی که خود، شامل مصادیق و نمونه‌های متعدد است، ماهیت اصلی نابودسازی آموزشی و علمی را تشکیل می‌دهند. این مصادیق و نمونه‌ها، مقارن با آغاز و پیشبرد جنگ و مخاصمه به معنی مصطلح کلمه و نیز در برخی از پدیده‌های مشابه جنگ نظیر اشغال نظامی در مناطق تحت اشغال می‌توانند مصداق پیدا کنند.

مشخص است که به دنبال بحث از ماهیت و چیستی نابودسازی آموزشی و علمی، باید به تبعات ناشی از این نوع نابودسازی نیز توجه داشت. حقیقت آن است که چنانچه چیستی نابودسازی آموزشی و علمی، مورد مذاقه قرار گیرد، می‌توان به این یافته دست یازید که تبعات این پدیده، به پیامدهای فیزیکی آن از جمله تخریب‌ها و نابودسازی‌ها و معدوم کردن‌ها منحصر نیست بلکه به آثار روانی – عاطفی حاصل از آن به سبب محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های فراوری عناصر فعال در عرصه آموزش و پژوهش نیز گسترش می‌یابد. سرخوردگی‌ها و دلزدگی‌ها و ایجاد ناامیدی در میان دانشمندان و پژوهش‌گران و دیگر اصحاب و اهالی عرصه آموزش و پژوهش، از جمله پیامدهای روانی – عاطفی ناشی از نابودسازی آموزشی و علمی هستند.

ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی، به نحو آشکار، دو اصل کلی حاکم بر سیستم‌های آموزشی و پژوهشی یعنی «اصل استمرار»^۶ و «اصل کیفیت»^۷ را هدف می‌گیرد و این دو اصل را به طور دائمی یا به صورت موقت، از حیث انتفاع، ساقط می‌سازد. از سوی دیگر، پیامدها و تبعات نابودسازی آموزشی و علمی، چه بسا فقط محدود به دوران درگیرهای نظامی و مخاصمات مسلحانه نباشد بلکه حتی پس از پایان جنگ و یا در دوران آتش‌بس نیز پابرجا بماند. به عنوان یک نمونه، در جنگ سال ۲۰۲۳ اسرائیل علیه ساکنان غزه در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی، تخریب عمده مدارس و دانشگاه‌ها، جلوه مهم نابودسازی آموزشی و علمی به شمار

1. Educational Destruction

2. Destruction of Education

۳ Educide (Genocide of Education)؛ واژه‌ای معادل برای نابودسازی آموزشی و علمی، «اجوساید» بر وزن «اکوساید» (نابودسازی زیست محیطی) یا «ژنوساید» (نابودسازی نسلی یا نسل‌کشی) است. در این معنا، اجوساید را می‌توان در واقع، «آموزش‌کشی یا آموزش‌زدایی» نیز نامید.

۴. برخی، عبارت «کشتار علمی» (Scientific Massacre) را معادلی برای نابودسازی آموزشی و علمی، اعلام کرده‌اند. بنگرید به: (Vesco, ۲۰۲۵, 19).

۵. در بعضی تألیفات، عبارت «Systematic Targeting and Destruction of Educational Infrastructure» (هدف‌گیری و تخریب سیستماتیک زیرساخت‌های آموزشی) در راستای بیان یک ترجمه برای نابودسازی آموزشی و علمی به کار رفته است. از جمله در: (Gutierrez & Et. al, ۲۰۲۴, ۱۰). به نظر می‌رسد این توصیف، تعریف قابل‌تأملی است چرا که نخست؛ نباید نابودسازی آموزشی و علمی را بر اساس این تعریف، منحصر به نابودسازی زیرساخت‌های آموزشی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها نمود و دوم؛ بر خلاف جنایت علیه بشریت، نظام‌مندی (یا سیستماتیک بودن) حمله یا تهاجم، شرط تحقق جنایت جنگی نیست.

۶ The Principle of Educational Continuity؛ به موجب اصل استمرار یا پابستگی، آموزش، پژوهش، علم‌اندوزی و دانش‌افزایی، امری ایستا نیستند بلکه به تناسب تحولات زمانی و مکانی و نیز به جهت رشد و گسترش روزافزون حوزه‌های جدید دانشی و پژوهشی در عرصه‌های گوناگون، پدیده‌هایی در حال تکامل و رو به پیشرفت و توسعه محسوب می‌شوند. میرهن است که بر این اساس، میزان دانش در اختیار بشر در روزگار فعلی، به‌مراتب، هزاران برابر دانسته‌ها و یافته‌هایی است که پیش از این موجود بوده و این امر، به جهت ذات سیال و رو به تزاید علم است. رویه‌های تولید و انتقال دانش نیز بنابر این ویژگی، فرایندهایی در حال رشد محسوب می‌شوند. نابودسازی آموزشی و علمی، از آنجا که منتهی به توقف موقت یا حتی دائمی این رویه‌ها و فرایندها می‌شود، آشکارا مغایر با اصل استمرار علمی و آموزشی به شمار می‌رود.

۷ The Principle of Educational Quality؛ به موجب اصل کیفیت یا کیفی‌گرایی، آدمی باید همواره از یافته‌ها و دستاوردهای جدید علمی و پژوهشی و آموزشی، بهره‌مند گردد. بر این اساس، بالاترین سطح علم، پژوهش و آموزش، باید در باکیفیت‌ترین وضعیتش، در خدمت انتفاع بیشتر و بهتر بشر در حوزه‌های مختلف زندگی قرار گیرند. بدین ترتیب، هر رخدادی که این امر بایسته را با چالش یا مانع روبرو سازد، پدیده‌ای منفی و مخرب ارزیابی می‌شود. از جمله این رخدادها نابودسازی آموزشی و علمی است. این پدیده، کیفیت علم، آموزش و پژوهش را به شکلی برجسته و نمایان، نازل ساخته و شهروندان کشور موضوع تهاجم را به صورت خاص و بشریت را در معنای کلی‌تر و عام‌تر، از دریافت بالاترین و باکیفیت‌ترین خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی محروم می‌سازد.

می‌رود که با توجه به نابودی بسیاری از زیرساخت‌های حیاتی در منطقه غزه و لزوم بازسازی مناطق سکونت‌گاهی، ممکن است سال‌ها به عنوان یک معضل جدی باقی بماند.

لازم به ذکر است در برخی نوشتگان موجود در مورد نابودسازی آموزشی و علمی و با دیدگاهی جزئی‌تر نسبت به ماهیت و چیستی نابودسازی آموزشی و علمی، این شکل از جنایت جنگی، به دو قسم کلی «نابودسازی فیزیکی»^۱ و «نابودسازی کارکردی»^۲ تقسیم شده است؛ نابودسازی آموزشی و علمی به شکل فیزیکی، به تخریب و نابودسازی سازه‌های فعال در امر آموزش و پژوهش نظیر مدارس و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در هنگامه وقوع مخاصمه، اطلاق می‌گردد. در واقع، در این قسم از نابودسازی آموزشی و علمی، خسارت و آسیب به تجسم مادی و فیزیکی این موضوعات، وارد می‌شود؛

در مقابل، در نابودسازی آموزشی و علمی به صورت کارکردی، لزوماً تخریب یا نابودسازی فیزیکی صورت نمی‌گیرد بلکه فراروی تحقق عینی حق بر آموزش و دسترسی به امکانات و زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی، موانعی ایجاد می‌گردد نظیر زمانی که مدارس و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به سبب وقوع جنگ و مخاصمه و در اثر تهاجم نیروی متخاصم، به روی دانش‌آموزان، معلمان، استادان و دانشجویان و پژوهش‌گران، بسته می‌شود و کارکرد عملی آن‌ها به طور موقت یا دائمی، متوقف می‌گردد. از حیث شناسایی نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک جنایت جنگی، طبعاً تفاوتی میان نوع فیزیکی یا کارکردی آن نیست. (۱۱۲: ۲۰۲۴، Korhonen & Et. al)

۲- پیشینه تاریخی بحث از نابودسازی آموزشی و علمی و گفتمان‌های نوین حقوقی پیرامون آن

در طول تاریخ، مخاصمات مسلحانه متعددی رخ داده که توجه به تبعات این مخاصمات، بیشتر معطوف به تلفات سنگین انسانی و مادی فراوان آن‌ها بوده است (۱۹؛ ۲۰۲۱، Walklett & McGarry) و پیامدهای ناگوار و مخرب این مخاصمات بر زیرساخت‌ها و اجزای فعال در ساختار علمی و آموزشی کشورها و سرزمین‌های مورد تهاجم، کمتر مورد توجه و تحلیل حقوقی بوده‌اند ولی از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به این سو، توجه به این پیامدها نیز رفته‌رفته به تحلیل‌ها و نگرش‌های حقوقدانان وارد شد. از این برهه، هم برای افکار عمومی جهان و هم برای متخصصان، مبرهن شد که تهاجم به نظام علمی و آموزشی و پژوهشی کشورهای موضوع تهاجم، اهمیتی کمتر از تلفات مادی و انسانی جنگ ندارد و باید در کنار بحث از این تلفات، به پیامدهای نابودسازی آموزشی و علمی نیز توجه داشت.

بر این اساس، علاوه بر جنبه‌های اخلاقی و حقوقی، باید به زمینه‌ها و بسترهای تاریخی شروع بحث از نابودسازی آموزشی و علمی و آغاز گفتمان سازی‌ها و نظریه پردازی‌ها پیرامون آن نیز عنایت لازم مبذول گردد. توجه به نابودسازی آموزشی و علمی در نوشتگان و تحلیل‌های مطرح در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی، به‌ویژه با شروع حمله آمریکا به عراق و پس از آن به افغانستان و تهاجم به مدارس و دانشگاه‌های فعال در این دو کشور، بیشتر شد. گزارش‌های موجود، حاکی از تهاجمات گسترده و متعدد نظامی با تسلیحات و افزارهای جنگی به مدارس و دانشگاه‌های این دو کشور به بهانه حضور نیروهای گروه تروریستی القاعده (عامل حمله به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی) در این مراکز هستند. (۱۸۹: ۲۰۲۳، Simuziya) بر اساس داده‌های موجود، برخی از نیروهای آمریکایی حاضر در عراق و افغانستان، بی‌مه‌با و بدون توجه به استانداردهای جنگی، به مدارس و دانشگاه‌های عراق و افغانستان حمله کرده و ضمن وارد کردن آسیب‌های فیزیکی به سازه‌ها، تعداد زیادی از دانش‌آموزان و معلمان و نیز دانشجویان و استادان و پژوهش‌گران را بازداشت و یا از فعالیت آموزشی و پژوهشی، محروم کردند. (۲۱۲: ۲۰۲۳، School of Law)

1. Physical Educide

2. Functional Educide

با خاتمه لشکرکشی فرسایشی و بی‌نتیجه ایالات متحده به این دو کشور، برای مدتی، مقوله نابودسازی آموزشی و علمی، از کانون توجهات و تحلیل‌ها خارج شد ولی با آغاز تهاجم اسرائیل به سرزمین‌های فلسطینی در اکتبر ۲۰۲۳ میلادی (مهر ۱۴۰۲ خورشیدی)، نابودسازی آموزشی و علمی و مصادیق گوناگون آن، دوباره در تحلیل‌ها و نظریه پردازی‌ها مطرح گردید. در این مفاصل، حسب گزارش‌های موجود، غالب مدارس و دانشگاه‌های منطقه غزه، به طور کامل، تخریب و نیز تعداد بی‌شماری از دانش‌آموزان و معلمان در این منطقه، یا کشته و مجروح جنگی شده‌اند و یا به سبب کوچانده شدن‌های اجباری، از تحصیل و آموزش، بازمانده‌اند. همچنین، فعالیت دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی^۱ در این منطقه، به طور کامل، متوقف شده و حتی برخی از اندیشمندان و متخصصان فلسطینی که بعضاً گرایش‌های ضد صهیونیستی نیز داشته‌اند، به صورت برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته، ترور شده‌اند. (۳۰: ۲۰۲۴، Bernard)

یک نکته مهم در راستای بحث از نابودسازی آموزشی و علمی در تحلیل‌های مطرح در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی، این است که بسیاری از اندیشه‌ورزان این حوزه، این مصداق از جنایات جنگی را محدود به نسل‌های حاضر که به صورت واقعی و عینی، درگیر مخاصمات مسلحانه هستند، نمی‌دانند بلکه دامنه تبعات آن را شامل نسل‌های بعدی نیز محسوب می‌کنند. بر همین اساس است که در برخی نوشتگان موجود، نابودسازی آموزشی و علمی، یک «جنایت فرانسلی»^۲ نامیده شده است (337: ۲۰۱۸، Grzebyk)

۱. به نکته مهمی باید توجه داشت و آن اینکه، در مانحن فیه، به نظر می‌رسد تخریب، از کار انداختن یا متوقف کردن فعالیت مراکز و نهادهای مرتبط با امور دانشگاهی از جمله کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و لابراتوارها، پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها و به طور کلی، نهادهای فعال در زمینه رشد و توسعه علمی در خلال مخاصمات مسلحانه نیز می‌تواند مصداق آشکاری از نابودسازی آموزشی و علمی (اجوساید) باشد. در گفتمان برخی از نویسندگان نیز این نگاه، راه یافته است؛ هرچند ایشان، نابودسازی آموزشی و علمی را در مورد این موضوعات، مفهوم‌سازی نکرده‌اند لکن از رویکرد آن‌ها می‌توان به منظور تبیین و شناسایی تخریب، از کار انداختن یا متوقف کردن فعالیت مراکز و نهادهای دانشگاهی و پژوهشگاهی، بهره جست. به عقیده این قبیل تحلیلگران، ارتکاب چنین رفتارهایی، مصداق بارزی از اقدام علیه سازه‌های غیر نظامی در خلال جنگ و در نتیجه، معارض با قواعد شناخته‌شده در حقوق مخاصمات مسلحانه است. (برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: ۱۲۸-۱۴۴: ۲۰۰۵، Zgonjanin)

مقوله دیگری که می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد، این است که تخریب زیرساخت‌های علمی و آموزشی و پژوهشی کشور موضوع تهاجم در خلال جنگ را می‌توان از منظر ممنوعیت اقدام علیه اموال و میراث فرهنگی در هنگامه مخاصمات مسلحانه به مثابه یکی از بایسته‌های مطرح در حقوق جنگ، بررسی کرد. توضیح اینکه، برخی از نویسندگان و نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اموال و میراث فرهنگی را دارای دو معنای عام و خاص، ارزیابی کرده‌اند. در معنای خاص، موزه‌ها و اقلام موضوع حفاظت در آن‌ها و نیز مکان‌ها و محدوده‌های باستانی و تاریخی، به عنوان اموال و میراث فرهنگی شناخته می‌شوند. در معنای عام، علاوه بر مواردی که به آن‌ها اشاره شد، تمام آنچه می‌تواند گویای هویت، تاریخ، تمدن، پیشرفت، توسعه، عواطف و احساسات ملی و تمایلات ملی و میهنی به تکامل و رشد از جمله در بعد علم‌اندوزی و دانش‌افزایی باشد، مصداق اموال و میراث فرهنگی به شمار می‌رود. چنانچه این رویکرد را مبنای تحلیل قرار دهیم، تردیدی باقی نخواهد ماند که نابودسازی علمی و آموزشی در خلال مخاصمات مسلحانه، اقدام علیه اموال و میراث فرهنگی کشور موضوع تهاجم نیز محسوب می‌گردد؛ امری که در تغایر آشکار با قواعد جنگ است و از جمله در کنوانسیون‌های لاهه (۱۹۵۴)، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و بعضی از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد هم مورد تصریح بوده است.

جالب آنکه، جنایت جنگی دانستن اقدام علیه اموال و میراث فرهنگی، در رویه دیوان کیفری بین‌المللی، مسبوق به سابقه است. در این باره، می‌توان به پرونده «احمد الفقهی المهدی» اشاره داشت که در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۶ به موجب شق الف بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه این دیوان، به صدور ۹ سال حبس برای این شخص، منتهی شد. (برای مطالعه سیر رسیدگی به این پرونده، بنگرید به: (130-134؛ ۲۰۲۰، Vakili & Gheshlaqi Nigjeh) (38-59؛ ۲۰۲۵، Shahbazi & Ashrafi)

باید افزود که دیوان، به منظور مواجهه کیفری بهتر با رفتارهای مخرب نسبت به اموال و میراث فرهنگی در معنای عام که شامل سازه‌ها و نهادهای مراکز فعال علمی و آموزشی و پژوهشی می‌شود، به دکترینی تحت عنوان «تفسیر به نفع غیر نظامیان» متوسل شده است. بر اساس این دیدگاه، هر نوع اقدام خرابکارانه نسبت به هر ساختار ماهیتاً غیر نظامی یا بدون کاربرد نظامی و جنگ‌افروانه، مصداقی از تخریب اموال و میراث فرهنگی است و باید اقدامی خلاف قواعد جنگ شناخته شود. به نظر می‌رسد با لحاظ این دکترین، نابودسازی آموزشی و علمی، مصداقی از جنایات جنگی است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (213-246؛ ۲۰۱۱، Najandi Manish & Afrogh) (۹۸۱-۱۰۰۲؛ ۲۰۱۹، Lesani & Naghizadeh) (۸۳-۱۱۰؛ ۲۰۲۳، Zebardast) (34-58؛ ۲۰۰۹، Zamani et al.) نکته دیگر این است که حالت بغرنج‌تری از جنایات جنگی مبنی بر نابودسازی آموزشی و علمی، حالت تلافی‌جویانه این نابودسازی است. به موجب یک قاعده و رویه کلی، نابودسازی آموزشی و علمی با قصد تلافی، هرگز رفتاری مقبول و مشروع از منظر قواعد حاکم بر جنگ نیست. (۱۲۶۵-۱۲۴۹؛ ۲۰۱۹، Daqiq & Lesani)

زیرا نابودسازی آموزشی و علمی، چه بسا نسل‌های پسا جنگ را نیز از حق بر آموزش و حق بر توسعه، محروم سازد؛ به ویژه اگر بازسازی و ترمیم خسارات و آسیب‌های حاصل از مخاصمه نسبت به مراکز و زیرساخت‌های آموزشی و علمی، در کوتاه‌مدت، امکان‌پذیر نباشد.

شایان ذکر است که در گفتمان‌های نوین پیرامون نابودسازی آموزشی و علمی، اساساً مکان‌هایی چون مدارس و دانشگاه‌ها همانند مراکز درمانی و بیمارستانی، وضعیتی مشابه «اماکن تحت پرچم سازمان ملل متحد»^۱ یافته‌اند. (Lesani, 2018؛ ۱۰۴) اماکن تحت پرچم، در اصطلاح، عبارتند از مکان‌هایی که به واسطه درگیر نبودن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در روند درگیری‌های نظامی و مخاصمات مسلحانه، قابلیت و ظرفیت توصیف به عنوان هدف نظامی یا ابزار جنگی ندارند و در نتیجه، مشمول حمایت‌هایی هستند که در عرصه حقوق بین‌الملل و بر اساس استانداردهای مورد نظر سازمان ملل متحد، مطرح هستند. بارزترین استاندارد حمایتی در این زمینه، امکان‌پذیر نبودن استفاده و کاربرد نظامی^۲ از این اماکن یا هدف‌گیری آن‌ها به عنوان هدف (سوژه) جنگی^۳ است. (Higgins & Et. al, ۲۰۱۷؛ ۶۲۰-۵۴۴) بر این اساس، اماکن و زیرساخت‌های آموزشی که در رویکرد و معنایی عام، شامل نهادهای علمی و پژوهشی نیز می‌گردند، اساساً مشمول استانداردهای موسوم به «حقوق مصونیت»^۴ مطرح در حقوق بین‌الملل نوین هستند و در طول دوران مخاصمه و جنگ باید از هر نوع تعرض و آسیب، در امان باشند.

۳. تحلیل نابودسازی آموزشی و علمی از منظر حقوقی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین منظرها برای نگریستن به نابودسازی آموزشی و علمی، از یک سو، حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ از سوی دوم، حقوق کیفری بین‌المللی و از سوی سوم، حقوق بشر است.

۳.۱. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۵، به طور خاص، ناظر است بر تعیین ضوابط و قواعد حاکم بر جنگ و بر این اساس، معیارهای شناسایی شده در این شاخه از حقوق بین‌الملل، در مقام احصای بایدها و نبایدهای لازم‌الرعایه در مخاصمات مسلحانه هستند. یکی از پدیده‌هایی که در خلال جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه، احتمال وقوع آن بالاست، نابودسازی آموزشی و علمی (در تمام مصادیق و نمونه‌های آن) است. بر این اساس، این رفتار، علاوه بر حقوق کیفری بین‌المللی، موضوع حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز هست.

1. Places with The UN Flag (UN Premises)
2. Military Application (Usage)
3. War Subject (Target)

۴ Immunity Law؛ شاخه‌ای خاص از حقوق بین‌الملل و از جمله، مرتبط با مباحث حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که به تعیین و تحلیل مصونیت‌های خاص در عرصه حقوق بین‌الملل می‌پردازد. نسبت به اماکن و زیرساخت‌های آموزشی نیز مصونیت از تعرض و آسیب، در شمول موازین حقوق مصونیت، قرار می‌گیرد. بنگرید به: (۴۰-۵۹؛ ۲۰۱۹) (Damrosch)

۵ International Humanitarian Law؛ یا حقوق جنگ (Law of War)، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل که مشتمل بر قواعد و ضوابط حاکم بر جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه است. این حقوق بر سه اصل اساسی بنا شده است: تفکیک، تناسب و احتیاط. به موجب اصل تفکیک (Distinction)، نیروهای درگیر در مخاصمه موظفند میان اهداف نظامی و غیر نظامی تمایز قائل شوند. حمله فقط باید به اهداف نظامی محدود شود و آسیب‌رساندن عمدی به غیر نظامیان یا تأسیسات غیر نظامی (مانند بیمارستان‌ها و مدارس) ممنوع است. بر اساس اصل تناسب (Proportionality)، حتی در حملات مشروع نظامی، خسارات وارد شده به غیر نظامیان نباید بیش از حد و نامتناسب با مزیت نظامی مورد انتظار باشد. اگر یک حمله باعث آسیب گسترده و غیر ضروری به غیر نظامیان شود، حتی اگر هدف آن نظامی باشد، غیر قانونی محسوب می‌گردد و مطابق اصل احتیاط (Precautions)، نیروهای مسلح باید تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری یا به حداقل رساندن آسیب به غیر نظامیان به عمل آورند. این امر، شامل انتخاب دقیق سلاح‌ها، زمان و مکان حمله، صدور هشدارهای لازم به غیر نظامیان در صورت امکان و ... است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (۷۰-۳۹؛ ۲۰۲۳) (Zamani and et al, 117-132؛ ۲۰۲۴) (Salimi)، (۱۰۳-۸۱؛ ۲۰۱۶) (Faghih Habibi)، (۱۸۹-۲۰۶؛ ۲۰۲۴) (Norouzi & Abdullahzadeh)، (۲۰۲۱) (Ziaei Bigdali)، (۲۰۱۹) (Kerrow & Eschuber)

می‌توان افزود که نابودسازی آموزشی و علمی، از آنجا که حمله به زیرساخت‌های حیاتی یک کشور از جمله نهادهای علمی، آموزشی و پژوهشی به ویژه مدارس، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در هنگام بروز یا تشدید مخاصمات به شمار می‌رود، در شمول رفتارهای خلاف حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا به عبارت دیگر، اقدامی در تعارض با حقوق حاکم بر جنگ است. (۲۰۲۳: ۳۶۹، Abusamra & Et. al)

از سوی دیگر، جنایت‌انگاری نابودسازی آموزشی و علمی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مبانی قابل توجهی دارد که توجه به آن‌ها لازم است. این مبانی را می‌توان عبارت دانست از: مصونیت اماکن آموزشی و علمی در زمان جنگ از حمله و تخریب، ممنوعیت سوءاستفاده از اماکن آموزشی به عنوان اماکن نظامی و جنگی، لزوم حمایت از جمعیت‌های غیر نظامی در زمان جنگ، ممنوعیت محروم‌سازی جمعیت‌های انسانی از مزایا و امکانات آموزشی در طول دوره مخاصمات مسلحانه، ضرورت رعایت اصل تفکیک میان هدف‌های نظامی (جنگی) و اهداف غیر نظامی (غیر جنگی) در مخاصمات مسلحانه و لزوم رعایت اصل حمایت از اماکن تحت پرچم سازمان ملل متحد در طول مخاصمات مسلحانه. (۲۰۲۴: ۱۲، Al Sakbani & Beaujouan)

بدیهی است توجه به این بایدها و الزامات، به طور مستقیم با حمایت از حق آموزش و برخورداری از امکانات آموزشی و پژوهشی و علمی است که خود، در قلمرو حق بر توسعه به عنوان مصداقی از حق‌های بشری نسل سوم، قرار می‌گیرد. مجموعه این بایسته‌ها، تضمین‌کننده مصونیت اماکن آموزشی و علمی و پژوهشی از جنگ و تبعات مخاصمات مسلحانه در طول دوران درگیری‌های نظامی است. با عنایت به اینکه هیچ تفکیک خاصی میان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی در ارتباط با این اصول و مبانی وجود ندارد، بایسته‌های مذکور را باید شامل هر دو وضعیت، دانست. (۲۰۱۹: ۲۲۶۱، Albhaisi)

می‌توان افزود که به طور کلی، مهم‌ترین منابع تکوین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها مصوب ۱۹۷۷ است. مطابق ماده ۴۸، بند دوم از ماده ۵۱ و نیز بند دوم از ماده ۵۲ پروتکل الحاقی نخست، دولت‌های درگیر مخاصمه مسلحانه می‌بایست، به اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان و به تبع، اماکن و اهداف نظامی و غیرنظامی پایبند باشند و لذا بر اساس تصریح به این قبیل بایسته‌های لازم‌الرعايه در حقوق جنگ، حملات باید متوجه اشخاص، اماکن و تأسیسات نظامی باشد. نسبت به اماکن آموزشی و درمانی نیز اصل بر عدم هدف‌گیری آن‌ها به عنوان اهداف نظامی است و صرفاً اگر اثبات شود که استفاده نظامی و جنگ‌طلبانه از آن‌ها شده، می‌توان اقدام نمود؛ البته در فرض اخیر، همچنان باید اصل منع آسیب‌رسانی به غیر نظامیانی که هیچ مداخله‌ای در جنگ و مخاصمه نداشته‌اند، مطمح نظر طرف‌های درگیر باشد.^۱

نکته مهم این است که با درک نابودسازی آموزشی و علمی به عنوان رفتاری مشمول قواعد و ضوابط حقوق بشردوستانه (یا همان قوانین جنگ)، خود به خود، می‌توان از منظر حقوق کیفری بین‌المللی نیز به تحلیل آن مبادرت نمود چراکه وقتی نابودسازی آموزشی و علمی را می‌توان نقض حقوق بشردوستانه به شمار آورد، می‌توان آن را به عنوان مصداقی از جنایات جنگی، در شمول قلمروی حقوق کیفری بین‌المللی نیز قرار داد. بر این اساس، منظر دیگری برای تحلیل نابودسازی آموزشی و علمی، حقوق کیفری بین‌المللی است.

۱. ذکر این نکته در اینجا جالب توجه است که در نظام حقوقی اسلام و نگاه تعالیم اسلامی به قواعد و ضوابط جنگ نیز به ممنوعیت برخی رفتارها از جمله منع آسیب‌رسانی به کسانی که رزمنده در معنای مصطلح آن محسوب نمی‌شوند یا اماکنی که نمی‌توان برای آن‌ها مطلوبیت و انتفاع نظامی قائل شد، تصریح شده است. برخی از نویسندگان شیعی حقوق جنگ، قائل به «حرمت تعرض به اشخاص و اماکن فاقد اقدام فعال جنگی» شده‌اند و در مباحث خود، به اماکن آموزشی نیز تصریح داشته‌اند. از دیدگاه بعض دیگر نیز استفاده بدون هدف از سلاح که ممکن است هم به اهداف نظامی و هم به اماکن غیرنظامی، بدون تشخیص و تمایز اصابت کند ممنوع است؛ بنابراین هر رزمنده با دو نوع تعهد و تکلیف مواجه است: اول آنکه، رزمنده را از غیر رزمنده تمییز داده و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم اینکه، مواضع و اهداف نظامی را از غیرنظامی جدا کند و فقط به پایگاه‌های نظامی یورش ببرد. (۸۹: ۲۰۰۴، Mohaghegh Damad) برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (۱۴۲۴ AH، Some of Authors) (۲۰۲۱، Haghghatpour) (۲۰۲۲، Masoudinia) (۲۰۲۳، Zobdeh & Haghghatpour)

۲-۳ از منظر حقوق کیفری بین‌المللی

با شناسایی نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک جنایت جنگی^۱، مهم‌ترین نظرگاه برای تحلیل آن، حقوق کیفری بین‌المللی^۲ خواهد بود. یک سوال مهم این است که آیا نابودسازی آموزشی و علمی را می‌توان مصداقی مشخص از جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی دانست یا خیر و اگر پاسخ مثبت است، کدام یک از عناوین چهارگانه مصرح در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (نسل‌کشی^۳، جنایت علیه بشریت^۴، جنایت جنگی^۵، تجاوز سرزمینی^۶)، قابلیت شمول بر نابودسازی آموزشی و علمی را دارد؟

به نظر می‌رسد پاسخ به سوال نخست، مثبت است و بنابراین، نابودسازی آموزشی و علمی را می‌توان در زمره جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی محسوب نمود (۱۷۰۴، ۲۰۱۵، Diwakar) که دلایل اثبات‌کننده این امر، در ادامه بررسی خواهند شد. اما برای پاسخ به سوال دوم، باید بار دیگر، ماهیت چهار جرم مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را بازشناسی کرد؛

با عنایت به ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که در مقام احصای مصادیق نسل‌کشی (یا نسل‌زدایی) است، بعید است بتوان نابودسازی آموزشی و علمی را مشمول این عنوان قرار داد چراکه این ماده، نسل‌کشی را به نابودسازی‌های فیزیکی محدود نموده و لذا نابودسازی‌های غیر فیزیکی یا شامل موضوعاتی به جز تمامیت جسمانی افراد، در شمول عنوان نسل‌کشی قرار نمی‌گیرند.

شمول عنوان جنایت علیه بشریت نیز بر نابودسازی آموزشی و علمی، محل تردید است زیرا مصادیق یازده‌گانه مصرح در اساسنامه به عنوان نمونه‌های جنایت علیه بشریت، همچنان حول محور نابودسازی‌های فیزیکی و جسمانی مطرحند و لذا نابودسازی آموزشی و علمی را نمی‌توان مشمول این عنوان دانست. به نظر می‌رسد یک دلیل دیگر نیز برای عدم تکافوی عنوان جنایت علیه بشریت برای شمول نسبت به نابودسازی آموزشی و علمی قابل طرح است و آن اینکه؛ به استناد ماده ۷ اساسنامه رم، جنایت علیه بشریت، مصادیق و رفتارهای مشمول این عنوان، باید بخشی از یک حمله علیه گروهی غیرنظامی که به شکل «گسترده» یا «سازمان‌یافته» علیه آن‌ها ارتکاب می‌یابند، باشد (۶۱-۷۳؛ Bayat, 2018) حال آنکه، جنایت جنگی، متصف به دو وصف گستردگی و سازمان‌یافتگی نیست.

۱. تصریح نگارندگان حاضر به جنایت جنگی بودن نابودسازی آموزشی و علمی در این نوشتار و اعتقاد به عدم شمول عنوان جنایت علیه بشریت بر این رفتار، به‌ویژه از آن روست که به نظر می‌رسد جنایت علیه بشریت، به طور عمده، ناظر بر نابودسازی‌های جسمانی نسبت به یک جمعیت انسانی مشخص است و لذا بعید به نظر می‌رسد بتوان نابودسازی‌های آموزشی و علمی که ماهیت و ویژگی‌های متفاوت با جنایات علیه بشریت دارد را به طور کامل و بدون شبهه، مشمول مصادیق این نوع جنایت، قرار داد. با این حال، با عنایت به وفور گونه‌های نابودسازی آموزشی و علمی در طول مخاصمات مسلحانه که شواهد عینی متعددی نیز بر اثبات آن نیز قابل طرح است و در این مقاله، به فراخور، مورد اشاره قرار گرفته اند، بهتر آن است که این شکل از نابودسازی را یک جنایت جنگی به شمار آورد و نه یک جنایت علیه بشریت.

۲ International Criminal Law: شاخه‌ای از حقوق کیفری که در آن، شکل‌دهی به یک سامانه فراملی برای پیگرد جنایات بین‌المللی و محاکمه و کیفردهی مرتکبان این جنایات، مبنای مطالعه و تحلیل موضوعات قرار می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (۲۰۱۶، Mirmohammad Sadeghi) (۲۰۲۳، Pourbafrani) (۲۰۲۳، Khaleghi)

3. Genocide

4. Crime Against Humanity

5. War Crime

6. Territorial Aggression

در فرضی که نابودسازی‌های آموزشی و علمی، به صورت موردی و محدود و نه به صورت گسترده و سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد، عنوان جنایت علیه بشریت، کافی برای شمول بر این نابودسازی‌ها نیست ولی عنوان جنایت جنگی را می‌توان برای توصیف آن‌ها به کار برد.^۱

در مورد تجاوز سرزمینی که به موجب بند ۱ ماده ۸ مکرر اساسنامه رم، مبتنی بر اقدام تجاوزکارانه علیه تمامیت ارضی و استقلال سرزمینی متعلق به دولت دیگری است نیز باید گفت یک واقعیت انکارناپذیر، احتمال بالای وقوع نابودسازی آموزشی و علمی نسبت به زیرساخت‌ها، منابع و مراجع علمی و آموزشی سرزمین مورد تهاجم در هنگامه ارتکاب این نوع تجاوز است ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که در گفتمان‌های موجود، نابودسازی آموزشی و علمی، بیش از آنکه رفتاری مشمول عنوان تجاوز سرزمینی باشد، در شمول جرم (یا جنایت) جنگی قرار می‌گیرد و بنابراین می‌توان با اِتقان به مراتب بیشتری، نابودسازی آموزشی و علمی را یک جنایت جنگی نامید. (۸۷: ۲۰۲۵، Iriqat)

در این باره، از منظر تحلیلی می‌توان گفت جنایات جنگی، نقض آشکار مجموعه‌ای از حق‌های لازم‌الاحقاق و ضوابط لازم‌الرعايه حاکم بر مخاصمات مسلحانه هستند که به طور معمول، در ادبیات حقوقی معاصر، همان حقوق بشردوستانه نامیده می‌شوند، به شمار می‌روند. ماده (e)(۲) ۸ اساسنامه رم، به سایر نقض‌های جدی مقررات و عرف‌های جنگی در مخاصمات غیر بین‌المللی در چارچوب تثبیت شده حقوق بین‌الملل اشاره نموده و از «حمله به افراد یا مناطق غیر نظامی و حمله به ساختمان‌های علمی و نظائر آن‌ها» نام برده است. به نظر می‌رسد نابودسازی آموزشی و علمی، در معنایی که در این مقاله از آن ارائه شده است، می‌تواند در زمره جنایات جنگی داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و در نتیجه، از جمله موضوعات حقوق کیفری بین‌المللی دانسته شود.

نظرگاه سوم برای تحلیل نابودسازی آموزشی و علمی، حقوق بشر است چراکه ارتکاب این مصداق از جنایات جنگی، آشکارا حق‌های بشری مهمی را پایمال می‌سازد. در ادامه، از منظر حقوق بشر به نابودسازی آموزشی و علمی نگریسته می‌شود.

۳.۳. از منظر حقوق بشر^۲

نابودسازی آموزشی و علمی، از منظر حقوق بشری، به ویژه با توجه به سه حق بنیادین بشری، قابل بررسی است: حق بر آموزش، حق بر توسعه و حق بر صلح.

۳.۳.۱. نابودسازی آموزشی و علمی از منظر حق بر آموزش

یک حق بنیادین بشری، حق بر آموزش^۳ یا بنابر تعبیر برخی، حق دسترسی به آموزش^۴ است. به موجب این حق، انسان‌ها باید بتوانند به سطوح، نهادها و منابع متنوع و مختلف آموزشی؛ خواه به صورت عمومی و همگانی و خواه به صورت تخصصی، دسترسی داشته

۱. می‌توان از تعبیر برخی نویسندگان بهره جست که معتقدند؛ ممکن است در خلال جنگ نیز جنایات علیه بشریت یا نسل‌کشی نیز واقع شود ولی متوقف بر حالت جنگی بودن این دو جنایت، یک موضوع احتمالی است و نه الزامی. در عین حال، جنایات جنگی، لزوماً در هنگامه وقوع مخاصمه مسلحانه، محقق و متصور است. (۹۴؛ ۲۰۱۹، Ghadir, Mohsen and Mehdi Kaykhosravi) نابودسازی آموزشی و علمی، رفتاری است که عمدتاً در خلال جنگ واقع می‌شود و تجربه بشر درباره این پدیده نیز گویای همین واقعیت است. بدین ترتیب، اینگونه به نظر می‌رسد که جنایت جنگی دانستن نابودسازی آموزشی و علمی در مقایسه با جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی دانستن آن، با ذات و اوصاف این پدیده، همخوان‌تر و با واقعیات موجود نیز سازگارتر است ولی در شمول دو عنوان اخیر نسبت به این پدیده، تردید وجود دارد.

۲ Human Rights: شاخه‌ای از دانش حقوق که به بررسی و تحلیل حق‌ها و آزادی‌های بنیادین بشری به عنوان حق‌های فطری انسان‌ها و قواعد و ضوابط حاکم بر تأمین و تضمین آن‌ها از سوی نظام‌های حقوقی می‌پردازد.

3. Right to Education

4. Right to Access to Education

باشند. بر این اساس، فعالیت ها و اقداماتی که به هر نحو، این حق را محدود می‌سازند و یا تحقق و اجرای آن را غیر عملیاتی می‌کنند، ناقض این حق بشری شمرده می‌شوند. (Alburai، ۲۰۲۳: ۸۸۹)^۱

ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی، از آنجا که این پدیده، مبتنی بر نقض آشکار حق بر آموزش است، نسبت به برخی گروه‌های سنی که نیازشان به آموزش‌های عمومی و تخصصی، بسیار مشخص و مبرهن است، از جمله کودکان و نوجوانان، اهمیت مضاعفی می‌یابد. در برخی گزارش‌های صادر شده از سوی نهادهای رسمی بین‌المللی از جمله عفو بین‌الملل یا گزارش‌گران ملل متحد در مورد جنگ غزه، نابودسازی آموزشی و علمی، به عنوان رفتاری که دامنه و گستره بزه‌دیده‌سازی آن، محدود به قشرهای دانشگاهی یا پژوهشی نیست بلکه کودکانی که چه‌بسا هنوز فرایند رسمی آموزش در مدارس را آغاز نکرده‌اند را نیز در برمی‌گیرد و حق دسترسی آن‌ها به منابع و امکانات و زیرساخت‌های آموزشی را نقض می‌نماید، شناخته شده است. (Muthanna & Et. al، ۲۰۲۴: ۱۲)^۲

باید افزود که نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک مصداق جنایت جنگی، به طور خاص، در ارتباط با حق بر آموزش کودکان، قابل تحلیل است. در این باره، می‌توان گفت دو ماده ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، به طور مشخص، به اهمیت و جایگاه حق بر آموزش کودکان، اذعان داشته و بندهای «الف» تا «ث» ماده ۲۸، تعهداتی را در راستای تأمین و تضمین حق بر آموزش کودکان، بر عهده دولت‌های عضو کنوانسیون، قرار داده‌اند. (Kashi Komijani & Rajaee، ۲۰۲۳: ۱۱۱-۱۳۰؛ 39-55)^۳، (Mahjoub (Hosseini & Esmati، ۲۰۲۳: ۱۳۰-۱۰۷)

از آنجا که تضمین حق کودکان بر آموزش، از جمله شامل حق بر حمایت از کودکان در برابر زمینه‌ها و بسترهای نقض حق بر آموزش نیز هست و به سبب آنکه نابودسازی آموزشی و علمی در طول مخاصمات مسلحانه، جلوه بارز نقض این حق به ضرر کودکان می‌تواند محسوب گردد، لذا می‌توان گفت نابودسازی مورد بحث، آشکارا مغایر با موجودیت و مقتضای حق کودکان به آموزش در معنای عام و حق آن‌ها به دسترسی به فرصت‌ها و امکانات آموزشی در معنای خاص است. در گزارشی ارائه شده از سوی گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد در نوامبر ۲۰۲۴ و در بحبوحه هجوم اسرائیل به غزه نیز به ویژه در بندهای ۸ و ۱۱، به نقض صریح حق کودکان بر آموزش و دسترسی آن‌ها به فرصت‌ها، امکانات و زمینه‌های آموزشی در اثر حملات صورت گرفته، اشاره و بر لزوم مقابله با نابودسازی‌های آموزشی نسبت به کودکان، تأکید شده است. (Rabaia & Habash، ۲۰۲۴: ۱۲)

۱. مخاصمات مسلحانه، به نحو بارزی، قابلیت محدود یا ممنوع‌سازی تحقق حق بر آموزش یا حق دسترسی به آموزش را داراست. تجربه بشر از برگزاری جنگ‌ها تاکنون، گواه بر آن است که حق بر آموزش و دسترسی به منابع و نهادهای آموزشی، به شدت در هنگامه وقوع جنگ و مخاصمات مسلحانه، در معرض نقض و تهدید قرار می‌گیرد. تعطیل شدن فعالیت مدارس و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، ناتمام ماندن پروژه‌ها و برنامه‌های تحقیقاتی و آموزشی و یا اساساً شروع نشدن آن‌ها به سبب بروز جنگ، از جمله مهم‌ترین تبعات و پیامدهای ناگوار مخاصمات مسلحانه نسبت به حق بر آموزش و دسترسی به امکانات و بسترها و منابع آموزش است. بر این پایه، عاملان و آمران جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه، در هر رده و سطحی که باشند، ناقض حق بر آموزش و دسترسی به امکانات و بسترهای آموزشی شناخته می‌شوند. (Aldahduh، ۲۰۲۳: ۱۲۴؛ ۱۰۸: ۲۰۱۸؛ Lesani)

۲. گفتنی است در گزارشی که گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد، در نوامبر ۲۰۲۴ و در دوران درگیری‌ها در یورش ویرانگر نوامبر ۲۰۲۳ اسرائیل به سرزمین‌های اشغالی فلسطینی، خطاب به شورای امنیت این سازمان ارائه نمود، تخریب گسترده مدارس و دانشگاه‌ها، توقف فعالیت آن‌ها، ترور فیزیکی دانشمندان و پژوهش‌گران^۴ و نیز ممانعت از فعالیت آموزشی و پژوهشی آن‌ها به مثابه مصادیق بارزی از نابودسازی آموزشی و علمی، رفتارهایی کاملاً بر خلاف مقتضای حق بر آموزش به مثابه یک حق بشری و شهروندی، اعلام شده است. (Rabaia & Habash، ۲۰۲۴: ۱۰)

۳.۳.۲. نابودسازی آموزشی و علمی از منظر حق بر توسعه

به مقتضای حق بر توسعه^۱ یا به تعبیر برخی نویسندگان؛ حق بر دسترسی به توسعه^۲، یک بعد اساسی و بنیادین در توسعه جوامع انسانی، تأمین و تضمین بالاترین میزان تحقق توسعه در ابعاد مختلف و جنبه‌های گوناگون است. یکی از ابعاد و جنبه‌های مهم حق بر توسعه، توسعه آموزشی و علمی است که زیرساخت‌ها و زیربنای آموزشی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، در زمره مهم‌ترین ابزارها و سازوکارهای آن محسوب می‌شوند. (Akram، ۲۰۲۲: ۴۸-۳۳؛ Oguno، ۲۰۲۲: ۲۶-۱۱)

بدیهی است که یکی از مهم‌ترین بایسته‌ها و الزامات برای تحقق عینی توسعه، تضمین حق بر آموزش به ویژه در مقاطع تحصیلات عالی و آکادمیک است. بر این مبنا، نابودسازی آموزشی و علمی، حق شهروندان بر توسعه را نیز مخدوش ساخته و تحقق عینی آن را با معضل جدی روبرو می‌سازد. (Anjali، ۲۰۱۴: ۲۰-۱؛ Gok، ۲۰۲۲: ۱۴۴) باید اشاره کرد که در گزارش اعلام شده به شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی گزارش‌گر ویژه این سازمان ملل متحد در هنگامه مخاصمات در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی در نوامبر ۲۰۲۴ نیز بر نقض آشکار حق بر توسعه به واسطه ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی توسط اسرائیل، تصریح شده است.

۳.۳.۳. نابودسازی آموزشی و علمی از منظر حق بر صلح

حق بر صلح^۳ یا بنابر برخی تحلیل‌ها، حق بر زندگی مسالمت‌آمیز^۴، از جمله حق‌های بنیادین بشر و به ویژه برای گروه‌ها و اقشار آسیب‌پذیر از جمله کودکان است. بنابر اقتضای این حق، همه ابنای بشر و به ویژه خردسالان، حق خواهند داشت در فضایی به دور از جنگ و مخاصمه و درگیری، زیست کنند. (Akbarpoor & Et. al، ۲۰۱۸: ۴۲۲) البته در معنایی عام از این حق، حق بر خوردار بودن از صلح و امتیازات حاصل از آن، فقط به معنای متأثر نبودن از جنگ و پیامدهای آن نیست بلکه هر نوع تنش که زیست خردسالان و نیز سلامت و امنیت روانی و جسمانی آن‌ها را تهدید می‌کند، محکوم است. (Kumar Singh، ۲۰۱۹: ۴۷-۳۰)

بر این اساس، هیچ شکلی از جنگ و مخاصمه با هر نیت و انگیزه‌ای که آغاز گردد و تداوم یابد، نسبت به کودکان، مقبول نیست. یکی از جلوه‌های تحقق حق بر صلح و دوری از جنگ و پیامدها و تبعات آن، مصون بودن اماکنی است که تصور سنتی از آن‌ها صلح‌پرور بودن و پرورش صحیح اسلوب‌های زیست مسالمت‌آمیز به کودکان است. اماکن آموزشی و مدارس، نمونه بارز چنین اماکنی هستند. (Nair، ۲۰۱۷: ۵۴-۶۰؛ Diaz، ۲۰۱۹: ۲۶۳-۲۸۲)

۱ Right to Development، حق بر توسعه، به استناد برخی اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه راجع به پیشرفت اجتماعی و توسعه (۱۹۶۹)، قطعنامه ۱۳۳/۳۶ مجمع عمومی ملل متحد (۱۴ دسامبر ۱۹۸۱)، قطعنامه ۱۲۸/۴۱ مجمع عمومی ملل متحد (۴ دسامبر ۱۹۸۶)، اعلامیه راجع به حق توسعه (۱۹۸۶) و نیز اعلامیه حق بر توسعه (وین ۱۹۹۳)، به مثابه یک حق بشری انگاشته شده است. باید افزود که تا اوایل دهه ۱۹۷۰ مف در هیچ یک از اسناد حقوق بشری، اشاره مستقیمی به عنوان حق بر توسعه به مثابه مصداقی از حقوق بشر نشده است و تنها پس از این تاریخ بود که مفهوم حق بر توسعه با تلاش کشورهای در حال توسعه، رسماً به عنوان حقی بشری مطرح شد. جلوه‌اعلای حق بر توسعه به عنوان حقی بشری، اعلامیه حق بر توسعه است. در بند ۱ ماده ۱ این اعلامیه آمده است: «حق بر توسعه، یک حق مسلم بشری است که به موجب آن، هر فرد و همه مردم، استحقاق مشارکت، سهیم شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دارند؛ به نحوی که در آن، کلیه حق‌های بشری و آزادی‌های اساسی، کاملاً تحقق یابند.» در این سند، به صراحت، صاحبان حق توسعه، افراد انسانی و واجدان تکلیف، دولت‌ها معرفی شده‌اند. ماده ۸ اعلامیه مقرر می‌دارد: «دولت‌ها باید در سطح ملی، کلیه اقدامات ضروری برای تحقق حق بر توسعه را انجام دهند؛ از جمله بایستی برابری فرصت‌ها برای همه در دسترسی به آموزش، خدمات بهداشتی، غذا و مسکن را تضمین نمایند.» در این سند، توسعه فراتر از ابعاد اقتصادی معرفی شده و شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز شده است. بنابراین در زمینه توسعه، تحول مفهومی از توسعه اقتصادی به توسعه انسانی رخ داده است. (برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (Firouzi، ۲۰۱۰: 29-38) (Salimi Turkmani، ۲۰۱۸: ۴۲۶-۴۰۵)

2. Right to Access to Development

۳ Right to Peace؛ حق بر صلح، در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، اعلامیه آمادگی جوامع برای زندگی در صلح (مندرج در قطعنامه ۷۳/۳۳ مجمع عمومی ملل متحد (۱۹۷۸) و نیز منشور آفریقای حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۶) به عنوان یک حق بشری اعلام شده است. (برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (Firouzi، 2020: ۳۹-۳۰) (۸۳-۱۰۹؛ ۲۰۱۴) (Ashrafi)

4. Right to Peaceful Life

در تحلیل نهایی، حمله به اماکن آموزشی از جمله مدارس، آشکارا معارض با مقتضای حق بر صلح و تأمین و تضمین این حق برای کودکان است. اصرار گروه‌های درگیر به تداوم مخاصمه و پرهیز از برقراری آتش‌بس‌های موقت یا دائم، سر بازگیری از میان کودکان و نوجوانان، محروم کردن کودکان از امکانات آموزشی و ...، متأسفانه، پدیده‌های شایع در بسیاری از مخاصمات مسلحانه هستند که حق کودکان به بهره‌مندی از صلح و فقدان جنگ را تحت شعاع قرار می‌دهند. آنچه امروزه، در برخی منابع و محافل حقوقی تحت عنوان «آموزش‌گشی یا آموزش‌زدایی» مطرح است، افزون بر آنکه حق بر آموزش و حق بر توسعه را نقض و تهدید می‌کند، رفتاری است که صلح و امنیت بین‌المللی را نیز تحت شعاع خود قرار می‌دهد. در واقع، می‌توان این‌گونه تصور کرد که در وضعیتی که مخاصمه‌ای در جریان نیست و به تعبیر دیگر، صلح، حکم‌فرماست، روندهای مبتنی بر رشد و پیشرفت علمی، آموزشی و پژوهشی، روال طبیعی خود را طی می‌کنند ولی با بروز وضعیت جنگی و حاکمیت مخاصمه، این فرایند، تضعیف و بلکه چه‌بسا به کلی متوقف شود. بنابراین، بحث از آثار سوء نابودسازی آموزشی و علمی بر حق بر صلح، نه تنها بیراه و گراف نیست بلکه برعکس، کاملاً توجیه‌پذیر است. نکته دیگر اینکه؛ در برخی گفتمان‌های حقوقی، بر این مقوله تأکید شده است که جلوه‌ای از عینیت و تحقق حق بر توسعه، گسترش علم و آموزش‌های عمومی و تخصصی (از جمله در سطح آکادمیک) در جامعه است. (Dai-Geun, ۲۰۱۹: ۱۹) با این درک از حق بر توسعه، می‌توان آن را در پیوندی آشکار و ناگسستنی با حق بر آموزش نیز ارزیابی کرد. در این گفتمان‌ها، این نکته نیز مورد تصریح است که از روح اسناد بین‌المللی موجود راجع به حق بر توسعه نیز هم‌سویی کامل آن با حق بر آموزش، استنباط می‌گردد.

در مقام تحلیل و جمع‌بندی می‌توان گفت نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه جلوه‌ای هویدا از جنایات جنگی، از حیث موازین حقوق کیفری بین‌المللی و نیز از منظر قواعد حقوق بشردوستانه و همچنین به طور کلی، از لحاظ موازین حقوق بشری، نقض آشکار و نمایان موازین و ضوابط حاکم بر جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه است که دستاوردهای آموزشی، پژوهشی و عملی ملت‌ها و کشورها را به شدت با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد و مغایر با همه استانداردهایی شمرده می‌شود که بر مبنای پذیرش حق بر آموزش و دسترسی به امکانات، منابع و زیرساخت‌های آموزشی و نیز حق بر توسعه و دسترسی به بالاترین سطح توسعه از جمله از حیث علمی و همچنین حق بر صلح و برخورداری از یک زیست مسالمت‌آمیز و عاری از جنگ و تنش، برای بشر پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.

۴.۱.۴. ارکان تشکیل‌دهنده نابودسازی آموزشی و علمی

نابودسازی آموزشی و علمی به عنوان یک رفتار مجرمانه داخل در شمول عنوان جنایت جنگی، بر اساس قواعد کلی حقوق کیفری، از جمع سه رکن قانونی^۱، مادی^۲ و روانی^۳ حاصل می‌آید که در ادامه، مورد بحث هستند.

۴.۱.۱. رکن قانونی

ذکر این نکته لازم است که ماده ۸ اساسنامه رم (سند مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی) - به عنوان طولانی‌ترین ماده این اساسنامه - را می‌توان به نحوی به مثابه عنصر قانونی جنایت جنگی، از جمله نابودسازی آموزشی و علمی در نظر گرفت چرا که تدوین‌کنندگان اساسنامه مذکور، در این ماده، به تشریح مفهوم و مصادیق جنایات جنگی پرداخته‌اند. طولانی بودن این ماده، به سبب پرداختن به جزئیات مطرح پیرامون جنایات جنگی است؛ حال آنکه این تفصیل در بیان شروط تحقق دو جرم نسل‌کشی (در ماده ۶ اساسنامه) و جنایات علیه بشریت (در ماده ۷ آن)، مشهود نیست. دلیل این امر، آن است که در نسل‌کشی، لزوم وجود قصد از بین بردن گروه جمعیتی خاص و در جنایت علیه بشریت، لزوم گسترده یا سازمان‌یافته بودن حمله، شرط اساسی تحقق این جنایات است ولی برای وقوع جنایت جنگی، نیازمند وجود این دو شرط نیستیم. بر این اساس، به هر روی، از حیث تعریف ماهوی و شناسایی رکن قانونی، آنچه ماده ۸ اساسنامه رم در باب تعریف جنایت جنگی مقرر نموده، قابلیت شمول بر نابودسازی آموزشی و علمی نیز دارد.

1. nulla crimen sine lege

2. actus reus

3. mens rea

۴.۲. رکن مادی

رفتار مادی تشکیل دهنده نابودسازی آموزشی و علمی، حمله و تهاجم ولو به صورت غیر سازمان یافته به زیرساخت ها، اماکن، نهادها، موسسات و اشخاص فعال در عرصه آموزشی و علمی و پژوهشی به عنوان اهداف غیر نظامی در هنگام وقوع مخاصمه است. بر این اساس، هم انسان ها (نظیر دانش آموزان و معلمان یا دانشجویان و استادان یا پژوهشگران و متخصصان) و هم غیر انسان ها (همچون مدارس، دانشگاه ها، پژوهشگاه ها و دیگر زیرساخت ها و اماکن فعال در حوزه آموزش و پژوهش) در نابودسازی آموزشی و علمی، هدف قرار می گیرند. شکل حمله یا تهاجم، طبعاً تفاوتی ایجاد نمی کند زیرا اصل حمله و تهاجم نسبت به موضوعات مورد اشاره، در بحث از رکن مادی نابودسازی آموزشی و علمی، از اهمیت برخوردار است و از سوی دیگر، تفاوتی نیز ندارد که مخاصمه، بین المللی یا غیر آن (یعنی داخلی) باشد چرا که در هر دو نوع مخاصمه، احتمال وقوع نابودسازی آموزشی و علمی، بالاست. (Alousi, ۲۰۲۲: ۹۶۳; Jones & Et. al, ۲۰۲۲)

باید افزود که بمباران یا تخریب مدارس و آموزشگاه ها و دانشگاه ها و پژوهشگاه ها، ترور دانشمندان، پژوهشگران و آموزگاران، ممنوع سازی دائمی یا محدود سازی های موقت نسبت به آن ها از فعالیت علمی و تحقیقاتی و آموزشی از جمله از طریق دست گیری و بازداشت آن ها یا تحمیل حصر یا حبس به آن ها، از حیز انتفاع ساقط کردن کارکرد آموزشی و علمی و تحقیقاتی مراکز مربوطه، تخریب، نابود کردن یا معدوم سازی اسناد و یافته های علمی و پژوهشی و ...، به تعطیلی کشاندن نهادهای آموزشی و پژوهشی از جمله دانشگاه ها، مدارس و پژوهشگاه ها در هر سطح و دوره آموزشی و پژوهشی، هر نوع ایجاد محدودیت موقت یا ممنوعیت دائم فراروی فرایندهای آموزشی و علمی برای دانشمندان، پژوهشگران، آموزگاران، دانشجویان و دانش آموزان و حتی ایجاد شرایط برای تحمیل جابجایی های اجباری نسبت به استادان دانشگاه ها و آموزگاران مدارس و پژوهشگران در موسسات علمی و پژوهشی به منظور عقیم ماندن فرایندهای آموزشی، علمی و پژوهشی و همچنین ایجاد و تشدید فضای ترس و هراس عمومی از اقدامات آموزشی و علمی و پژوهشی و نیز قطع ابزارها و روش های ارتباط علمی از جمله اینترنت یا دیگر خطوط تعاملی میان اصحاب علم و آموزش در هنگامه جنگ و مخاصمات، ممانعت از تحصیل برای خردسالان یا ایجاد ممنوعیت برای آموزگاران مدارس و استادان دانشگاه و پژوهشگران و محققان از فعالیت علمی و تحقیقاتی به هر شکلی، مسدود سازی دسترسی های علمی و تحقیقاتی به هر نوع که باشد، از جمله نمونه های برجسته رفتارهایی هستند که نابودسازی آموزشی و علمی محسوب می شوند. (۱۰۲: Dader & ۲۰۲۳: ۱۰۲۷; Belay & Et. al, ۲۰۲۳: ۲۸۱; Milton & Et. al, ۲۰۲۴: ۱۱; Hausler & Et. Al, ۲۰۲۴: ۸۹; Bonello, ۲۰۲۴; Et. al)

نکته دیگر اینکه؛ به نظر می رسد از منظر تحلیلی، می توان گفت عدم ایفای تعهدات حقوق بشری یا در شمول حقوق بشردوستانه در زمینه ممانعت از ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی نسبت به اهداف و زیرساخت های ماهیتاً غیر نظامی و یا بدون هر نوع کاربرد جنگی را می توان به مثابه یک ترک فعل در معنای عام، در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، هر چند به طور معمول، نابودسازی های آموزشی و علمی، خواه در قالب نابودسازی فیزیکی و خواه به شکل نابودسازی کارکردی، به صورت فعل ارتکاب می یابند لیکن از جهت نظری، بی اعتنائی به تکالیفی که جهان متمدن امروز، رعایت آن ها را در خلال مخاصمات مسلحانه بایسته می پندارد، خود، یک ترک فعل بزرگ و مخرب است. به نظر می رسد در این زمینه نیز باید رویه ای دستکم قضایی مبنی بر تصریح به شمول عنوان نابودسازی آموزشی و علمی، هم بر فعل ها و هم بر ترک فعل ها شکل گیرد تا ابهامات، زدوده گردد.

۴.۳. رکن روانی

برای تشخیص رکن روانی نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک مصداق از جنایات جنگی، باید علاوه بر اساسنامه رم (سند موسس دیوان کیفری بین المللی) که در برخی بندهای ماده (b)(۲) خود در مورد جرایمی مثل حمله به غیر نظامیان یا به ساختمان های غیر نظامی، به لزوم عمدی بودن رفتار، تصریح کرده است، باید به برخی دیگر از اسناد بین المللی که در مقام ممنوع سازی جنایات جنگی بوده اند از جمله ماده ۱۵ پروتکل دوم لاهه برای محافظت از اموال فرهنگی در اثنای مخاصمات مسلحانه

که مسئولیت مرتکب را به ارتکاب عمدی اعمال مصرح در پروتکل مشروط نموده است یا ماده ۱۳۰ کنوانسیون سوم ژنو در مورد اسیران جنگی که به لزوم عمدی بودن رفتارها اشاره داشته است نیز توجه نمود. با مذاقه در این اسناد، لزوم عمدی بودن رفتارهایی که نمونه‌های نابودسازی آموزشی و علمی محسوب می‌شوند، برای قول به وقوع این جنایت جنگی، استنباط می‌گردد. (۹۹۱: ۲۰۲۳، Jebril؛ ۱۴۴: ۲۰۲۴) بنابراین می‌توان گفت از حیث رکن روانی، این جنایت، مبتنی است بر تهاجم و حمله عامدانه به اهداف آموزشی و پژوهشی و علمی که طبعاً دلالت بر لزوم وجود علم و آگاهی نسبت به غیر نظامی و غیر جنگی بودن اهداف در مرتکب دارد.

با این حال، باید توجه داشت که حتی اگر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و یا دیگر اسناد بین‌المللی مربوط به جنایات جنگی، صراحتاً به رکن روانی با استفاده از قیودی نظیر «عالملاً عامداً» یا «عمداً» یا «از روی قصد» و امثال این‌ها اشاره نکرده بودند نیز باید بر اساس ماده ۱۳۰ اساسنامه دیوان، قائل به لزوم اثبات عمد و قصد در رفتارهای مصداق نابودسازی آموزشی و علمی، می‌بودیم. از سوی دیگر، به موجب سند مشتمل بر «عناصر تشکیل دهنده جرایم»، مرتکب باید از شرایط و اوضاع و احوال بیرونی که موید وجود یک مخاصمه مسلحانه است آگاه باشد ولی علم وی نسبت به اینکه از لحاظ مقررات و ضوابط حقوقی، حالت جنگی برقرار است یا علم وی نسبت به ماهیت داخلی یا بین‌المللی مخاصمه، ضرورتی ندارد و در مسئولیت کیفری او نیز تأثیری نخواهد داشت. (۱۴۴-145 Mirmohammad Sadeghi، ۲۰۲۴)

البته نباید ناگفته گذاشت که در موارد محدودی، به جای عنصر عمد^۱ یا بی‌تفاوتی^۲، صرف مسامحه^۳ برای محکوم کردن فرد به ارتکاب جنایات جنگی از جمله نابودسازی آموزشی و علمی، کفایت می‌کند. این مورد، به طور عمده به مسئولیت فرماندهان به موجب ماده (۱)(a) ۲۸ اساسنامه مربوط است که بر مبنای آن، علاوه بر اینکه اگر فرمانده «می‌دانسته است»^۴ شخص زیردست وی، مرتکب جنایت جنگی از جمله نابودسازی آموزشی و علمی می‌گردد، رکن روانی لازم برای تحقق این جنایت، موجود است، صرف این حقیقت که فرمانده «باید می‌دانسته است»^۵ که شخص زیردست وی، مرتکب جنایت جنگی نظیر نابودسازی آموزشی و علمی می‌شود نیز برای مسئول شناخته شدن فرمانده تحت این عنوان کفایت می‌کند.

نکته دیگر اینکه، با اثبات عمد و قصد در رفتار مرتکب، دیگر نمی‌توان «انگیزه»^۶ مرتکب را در مسئولیت کیفری وی در قبال نابودسازی آموزشی و علمی، مؤثر دانست. (۱۳۳: ۲۰۲۴، Hussein & Et. al؛ ۳۷: ۲۰۲۴، Hasan) بنابراین، از منظر تحلیلی می‌توان گفت ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی، می‌تواند بنابر انگیزه‌های گوناگون از جمله انتقام، مقابله به مثل یا هر چیز دیگری باشد و در عین حال، هیچ‌کدام، مؤثر در مقام نبوده و ماهیت نابودسازی آموزشی و علمی را تغییر نمی‌دهند. همچنین، از سوی دیگر، تحقق نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک مصداق از جنایت جنگی، نیازمند وجود «سوءنیت خاص»^۷ در مرتکب نیست و لذا نیازی نیست وجود قصد و نیت ویژه‌ای علاوه بر عمد در ارتکاب رفتار به اثبات برسد.

1. Intent

Recklessness؛ اشاره به این نکته لازم به نظر می‌رسد که توجه به سهل‌انگاری‌های شدید (به جای عمد و سوءنیت) به مثابه رکن روانی نابودسازی آموزشی و علمی و در واقع، یکسان‌انگاری این قسم سهل‌انگاری با سوءنیت، در برخی پرونده‌های خاص نیز قابل توجه است. نمونه بارز این نگاه، در پرونده Strugar (ستروگر) در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) مشهود است. در این پرونده، با اینکه دادگاه، تخریب میراث فرهنگی را رفتاری عمدی می‌پندارد لیکن در برخی فرازهای دادرسی، به این نکته تصریح دارد که باید بتوان سهل‌انگاری‌های شدید در بحبوحه درگیری‌های نظامی در خلال مخاصمات مسلحانه را نیز چیزی در حکم عمد و سوءنیت دانست و لذا تخریب‌های مبتنی بر سهل‌انگاری‌های شدید و کنترل نشده را در شمول مقابله کیفرگرایانه با جنایت جنگی علیه میراث فرهنگی ارزیابی کرد. به نظر می‌رسد به منظور مواجهه هر چه متقن‌تر با نابودسازی آموزشی و علمی در حقوق کیفری بین‌المللی، می‌توان این موضع را تقویت نمود. (بنگرید به: ۴۳۰-۴۳۲: ۲۰۱۶، Vrdoljak)

3. Negligence

4. Knew

5. Should Be Known

6. Motive

7. Special Malice

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت رکن قانونی نابودسازی آموزشی و علمی یا به تعبیر بهتر، مقرره‌ای که این شکل از جنایت جنگی را پیش‌بینی و شناسایی کرده، عبارت است از ماده ۸ اساسنامه رم (سند موسس دیوان کیفری بین‌المللی) که در مقام تعریف جنایت جنگی و احصای مصادیق آن بوده است. بر این اساس، نابودسازی آموزشی و علمی، مصداقی از جنایات جنگی است و ماهیت و نیز شروط تحقق متفاوت از جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز سرزمینی دارد هرچند احتمال ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی در تهاجمات ارضی، بالاست. از جانب دیگر، رکن مادی نابودسازی آموزشی و علمی، عبارت است از حمله و تهاجم ولو غیر سازمان‌یافته به زیرساخت‌ها، اماکن، نهادها، موسسات و اشخاص فعال در عرصه آموزشی و علمی و پژوهشی به عنوان اهداف غیر نظامی در هنگام وقوع مخاصمه و لذا در تحلیل این رکن، آنچه اهمیت دارد، اصل حمله و نیز موضوع تهاجم است و چگونگی رخداد تهاجم، حائز اهمیت نیست. در نهایت، رکن روانی نابودسازی آموزشی و علمی، عبارت است از سوء نیت عام (یا عمد) برای ارتکاب مصادیق متنوع نابودسازی آموزشی و علمی بدون آنکه نیاز به وجود سوء نیت خاص و نیز انگیزه و داعی ویژه‌ای در رفتار مرتکب باشد.

نتیجه‌گیری

نابودسازی آموزشی و علمی، به معنای از بین بردن جزئی یا کلی عاقدانه زیرساخت‌ها، اماکن و اهداف آموزشی، پژوهشی و علمی در مخاصمات مسلحانه و به مثابه یک مصداق بارز جنایات جنگی، خود، شامل مصادیق و نمونه‌های متنوع و متعدد است و در عین حال، سوء نیت خاص یا انگیزه ویژه‌ای برای وقوع و تحقق آن، شرط نیست و در صورت وجود نیز، از مرتکب(ان)، رفع مسئولیت کیفری نخواهد کرد.

این‌گونه به نظر می‌رسد که شکل‌گیری گفتمان‌های منسجم، دغدغه‌مندانه و رو به تکامل نسبت به پدیده نابودسازی آموزشی و علمی، گویای حساسیت بالایی است که رفته‌رفته، در عرصه جامعه جهانی به طور کلی و نیز در سطح دولت‌مردان، مجامع علمی، مصلحان اجتماعی، اندیشمندان و پژوهشگران و اصحاب علم و آموزش به طور جزئی‌تر، نسبت به پیامدها و عواقب قطعی یا احتمالی نابودسازی آموزشی و علمی شکل گرفته است. این پیامدها و عواقب، چه بسا سال‌ها روند رشد و توسعه علمی کشورها را کند کرده و به عقب اندازد و نظام‌های آموزشی و پژوهشی فعال در کشورهای موضوع تهاجم را با معضلات جبران‌ناپذیر روبرو سازد. حق‌های مسلمی در مواجهه با نابودسازی آموزشی و علمی، آشکارا تحدید یا به کلی، نقض می‌شوند که می‌توان حق بر صلح، حق بر آموزش و نیز حق بر توسعه را از مهم‌ترین آن‌ها دانست. لزوم صیانت از این حق‌ها اقتضای پیشگیری قاطع از وقوع ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی و نیز مقابله همه‌جانبه با این رفتار خلاف قواعد جنگ در فرض وقوع را دارد.

تبعات ناگوار نابودسازی آموزشی و علمی به مثابه یک نوع جنایت جنگی، به اندازه‌ای هست که تصویب یک کنوانسیون بین‌المللی خاص و ویژه برای آن و یا دست‌کم تلاش و اقدام برای ایجاد یک اجماع بین‌المللی علیه آن، ضروری است. حتی اگر مقضیات و شرایط مقدماتی برای تصویب چنین کنوانسیونی به هر دلیل در حال حاضر، مهیا نباشد، رویه قضایی دال بر ممنوع‌انگاری نابودسازی آموزشی و علمی و یا صدور احکام مشخص و صریحی در این باب، می‌تواند شکل گیرد. در این زمینه، دیوان کیفری بین‌المللی (دیوان رم) می‌تواند پیشگام شده و دستکم رویکردی که اخیراً در صدور حکم تعقیب کیفری نسبت به سران رژیم اسرائیل را در پیش گرفته، تکمیل نماید و النهایه، این تحول مهم را در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی رقم بزند. به نظر می‌رسد تکوین رویکردهای قضایی منسجم و هدفمند، راهکار قابل‌اعتنایی برای مقابله هر چه هدفمندتر و کارآمدتر جامعه بین‌المللی با نابودسازی‌های آموزشی و علمی در خلال مخاصمات مسلحانه است.^۱

۱. ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که رویکردهای قاتل به لزوم جرم‌انگاری‌های خاص نسبت به برخی دیگر از رفتارهای مخاطره‌آمیز و مخرب نسبت به بشر امروزی، مطرح است که نمونه بارز این رفتارها قاچاق مواد مخدر در سطح فراملی است که بعضی مصنفان، پیشنهاد جرم‌انگاری ویژه آن به مثابه یک جنایت بین‌المللی را مطرح کرده و در این باره معتقدند که مفهوم جنایت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل مفهومی شناخته شده و مشخص است که عمدتاً به آن دسته جرایم مهم بین‌المللی اطلاق می‌شود که دارای خصلت فرامرزی، شدت و برخورداری از قابلیت بین‌المللی مجازات می‌باشند. قاچاق گسترده ی مواد مخدر،

چنین اقداماتی در راستای تصریح به ممنوعیت ارتکاب نابودسازی آموزشی و علمی به‌ویژه در طول مخاصمات مسلحانه و اقدام عملگرایانه به منظور مقابله کیفری و واکنشی با این پدیده، ضمانت اجرای کارآمد بخشیدن به آن و نیز احصاء و شناسایی تکالیف جامعه بین‌المللی در راستای مقابله با ارتکاب آن در وهله نخست و کاهش صدمات حاصل از آن در وهله بعد، منطقی و معقول به نظر می‌رسد. نهایتاً، این نتیجه نیز حاصل می‌شود که نابودسازی آموزشی و علمی، در ماهیت، یک جنایت جنگی و در تعارض کامل با موازین حقوق بشر دوستانه یا همان ضوابط حاکم بر جنگ‌هاست.

این نتیجه نیز قابل ذکر است که با توجه به همه آنچه گفته شد و نیز با عنایت به تبعات گاه جبران‌ناپذیر نابودسازی‌های آموزشی و علمی در خلال مخاصمات مسلحانه، به نظر، قابل قبول می‌رسد که نابودسازی‌های مبتنی بر سهل انگاری‌های شدید نیز در حکم نابودسازی‌های عمدی انگاشته شود تا بستر مقابله کیفری کارآمدتر با این شکل خاص از جنایت جنگی، فراهم گردد.

References:

- Abusamra, A., Suyanto, A. & Wibawa, S.(2023)• The Principals' Role in Creating Safe Schools in War Zones: Gaza Strip As A Case Study, Journal of Education, Vol. 203 No. 2.
- Akbarpoor, Sajedeh & Et. al(2018)• Reasons behind the Failure of Right to Peace in Today's World, Journal of World Sociopolitical Studies| Vol. 2• No. 3.
- Akram, Zamir(2022)• Relationship Between the Human Right to Development and Core Elements of the Sustainable Development Goals, Brill Publication.
- Al Sakbani, N. & Beaujouan, J.(2024)• Education in Syria: Hidden Victim of the Conflict of Weapon of War?, Journal of Peace Education.
- Albhaisi, S.(2024)• The Impossible Mission: To Save and Support Science in Gaza, The Lancet, Vol. 403• No. 10429.
- Alburai, D.Z.(2023)• Protecting Schools within Conflict Zones in Gaza Strip Under International Humanitarian Law, Novi Sad.
- Aldahdouh, T.Z. & et al.(2023)• Development of Online Teaching Expertise in Fragile and Conflict-affected Contexts, Frontiers in Education, Vol. 8.
- Almassri, A.N.(2024)• International Higher Education Scholarships: A Pathway for Palestinians' Academic Recovery, Higher Education, NO. 112.
- Alousi, R.(2022)• Educide: The Genocide of Education: A Case Study on The Impact of Invasion and Conflict On Education, The Business and Management Review, Vol. 13 No. 2.
- Anjali, Prabhakaran(2014)• Realization of The Right to Development Through The Right to Education, Galgotias Journal of Legal Studies, Vol. 11• No. 2.
- Ashrafi, Dariush (2014), A new interpretation of international peace and security and its impact on the concept of national sovereignty, Journal of Public Law Research, Volume 15, No. 42.
- Bayat, Homa(2018), The Concept of Crimes Against Humanity in the Statute of the International Criminal Court, Journal of Nations Research, No. 30. [In Persian]
- Belay, F. & et al.(2023)• The Effect of War on Educational Institutions of Eastern Tigray Zone, Tigray state, Ethiopia, International Journal of Educational Development, Vol. 102.
- Bonello, E.(2024)• Education Under Occupation: Challenges in Education Access for Students in Palestine Amidst Ongoing Conflict, Journal of the Student Personnel Association at IN University.
- Dader, K. & et al(2024)• Topologies of Scholasticide in Gaza: Education in Spaces of Elimination, International Journal of Geography, Vol. 202 No. 1.
- Dai-Geun, Kang(2019)• Peace and Human Rights Education Through Education for Sustainable Development, EIU Best Case Study Series No. 5.

نظر به اهمیت غیر قابل انکار آن و خاصیت بین‌المللی داشتن آن به نگرانی عمده جامعه جهانی بدل شده است. نظر به ویژگی‌ها و آشکال ارتکاب آن می‌تواند تحت شرایطی خاص و البته در شرایط نظم کنونی حقوقی، به سختی یک جنایت بین‌المللی قلمداد شود و از حیث بین‌المللی مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد. بنگرید به: (۱۹۱-۱۶۴؛ ۲۰۲۰، Zamani & Nasiri)

- Damrosch, Lori Fisler(2019), The Sources of Immunity Law – Between International and Domestic Law, Columbia Law School, Cambridge University Press.
- Diaz, Sarah J.(2019), An Elusive Mandate: Enforcing the Prohibition on the Use of Child Soldiers, Children's Legal Rights Journal, Vol. 39(3).
- Diwakar, V.(2015), The Effect of Armed Conflict on Education: Evidence From Iraq, The Journal of Development Studies, Vol. 51 No. 12.
- Faghih Habibi, Ali. (۲۰۱۶), The Position of Humanitarian Law in Islam and International Documents, Quarterly Journal of Political Research of the Islamic World, Number 2, URL: <http://priw.ir/article-1-392-fa.html>[.In Persian]
- Fazaali, Mustafa. (2019), The Nature and Basis of the Commitment to Ensure Respect for Humanitarian Law from the Perspective of Islam and International Law, Journal of Public Law Studies, Volume 49, Issue 3, DOI: <https://doi.org/10.22059/jpls.2017.226167.1452>..[In Persian]
- Firouzi, Mehdi (2010), The Right to Development in the International System of Human Rights and Islamic Teachings, Jurisprudence and Law Research Institute Publications, First Edition.
- Firouzi, Mehdi (۲۰۲۰), The Right to Peace in the International System of Human Rights and Islamic Teachings, Master's Thesis in Public Law, Razavi University of Islamic Sciences.
- Ghadir, Mohsen and Mehdi Kaykhosravi (2019), War Crimes and Their Interaction with Crimes Against Humanity and Genocide, Journal of Criminal Law Theachings, Volume 16, Number 17.
- Gök, Gülden(2022), Relationship between Human Rights and Education, [Selçuk University](#).
- Grzebyk, Patrycia(2018), To Kill or Not To Kill- The Use of Force against Legitimate Targets in Armed Conflicts, Wroclaw Review of Law, Administration & Economics, Vol. 8(2), Special Issue.
- Gutierrez, Diego Alburez & Et. al(2024), The Long-lasting Effect of Armed Conflicts Deaths on the Living: Quantifying Family Bereavement, Science Advances(Research Article).
- Haghighatpour, Hossein. (۲۰۲۱), The Principle of Human Separation from the Perspective of Islamic Humanitarian Law in Comparison with International Treaties, Journal of Jurisprudential Studies, Volume 17, Number 3, DOI: <https://doi.org/10.22059/jorr.2020.281762.1008452>.[In Persian]
- Hasan, A.(2024), Education resilience under the occupation – case of Palestine, International Journal of Inspiration, Resilience and Youth Economy, Vol. 8 No. 1.
- Hausler, Kristin & et al.(2024), Protecting Education in Insecurity and Armed Conflict: An International Law Handbook, British Institute of International and Comparative Law.
- Higgins, Rosalyn(2017), [Oppenheim's International Law: United Nations](#), Chapter 16: United Nations Privileges and Immunities, Oxford University Press.
- Hosseini, Seyyedeh Latifa and Zeinab Esmati (2023), The right to education of children in armed conflicts; the passive reaction of the Security Council towards the right to education of Palestinian children, Quarterly Journal of State and Law, Year 5, No. 18. [In Persian] DOI: 10.48315/qgl.2025.491247.1162
- Hussein, A., Wong, S. & Bright, A.(2024), History and Impact of Israeli Siege and Attacks on Education in Gaza, Palestine, Oxford Research Encyclopedia of Education.
- Iriqat, Dalal(2025), Educide Amid Conflict: The Struggle of the Palestinian Education System, Quality Education for All Vol. 2, No. 1.
- Jebri, M.(2023), Between Construction and Destruction: The Experience of Educationalists at Gaza's Universities, Compare: A Journal of Comparative and International Education, Vol. 53, No. 6.
- Jebri, M.(2024), War, Higher Education and Development: The Experience for Educationalists at Gaza's Universities, Higher Education.
- Jones, N. & et al.(2022), Disrupted Educational Pathways: The Effects of Conflict on Adolescent Educational Access and Learning in War-torn Ethiopia, Frontiers in Education, Vol. 7.
- Kashi Komijani, Milad and Mehdi Rajaei(2023), Comparative Study of the Right to Education of Children from the Perspective of the Convention on the Rights of the Child and the Fundamental Rights of Iran, Quarterly Journal of Comparative Public Law, Volume 1, Number 2. [In Persian] , DOI: <https://doi.org/10.22091/cpl.2024.10391.1012>.
- Kerrow, Jonathan and Kelly Weston Eschuber. (2019), The Essentials of International Humanitarian Law, Mizan Publishing, First Edition.[In Persian]

- Khaleghi, Ali. (2023), Researches on International Criminal Law, Shahr Danesh Publications, 7th edition.[In Persian]
- Korhonen, V. & Et. al(2024)◦ Student Engagement and Concerns on Studies and Future Professions: Exploratory Research in a Palestinian Higher Education Context, International Journal of Educational Management◦ No. 112.
- Kumar Singh◦ Rakesh(2019)◦ Right to Peace As A Human Right◦ Uttarakhand Judicial & Legal Review◦ No. 112.
- Lesani, Seyed Hesamuddin and Mahtab Daqiq (2019), Study of Retaliatory Measures Against Cultural Property in International Humanitarian Law, Quarterly Journal of Public Law Studies, Volume 49, Number 4.[In Persian]
- Lesani, Seyed Hossam al-Din and Yalda Naghizadeh (2019), A study of the rules governing the destruction of cultural heritage in non-international armed conflicts with emphasis on the performance of ISIS, Quarterly Journal of Public Law Studies, Volume 94, Issue 3[In Persian]
- Lesani, Seyyed Hossameddin(2018), Protection of Places Under the United Nations Flag During Armed Conflicts in the Conflict Between International Humanitarian Law and United Nations Rules, Iranian Quarterly Journal of United Nations Studies, Volume 1, No. 1.
- Lesani◦ Seyed Hesamoddin(2018)◦ Protection of Places with The UN Flag (UN Premises) During Armed Conflicts in The Framework of the Contrast Between International Humanitarian Law and UN Regulations◦ The Iranian Review for UN Studies (IRUNS)◦ Vol.1, No.1.
- Mahjoub, Saeed (2023), Analysis of the right to education of children in light of the right to provision and protection in the Convention on the Rights of the Child and the Iranian legal system, Majles and Strategy Quarterly, online publication.[In Persian]
- Masoudinia, Mohammad. (2022), Protection of Civilians in Armed Conflicts in Jurisprudence and International Criminal Law, Quarterly Journal of Comparative Criminal Jurisprudence, Volume 2, Issue 3, DOI: <https://www.doi.org/10.22034/jccj.2022.371027.1135>. [In Persian]
- Milton, S., Elkahlout, G. & Barakat, S.(2023)◦ Protecting Higher Education from Attack in the Gaza Strip, Compare: A Journal of Comparative and International Education, Vol. 53◦ No. 6.
- Mirmohammad Sadeghi, Hossein. (2016), International Criminal Court, Dadgostar Publications, 9th Edition.[In Persian]
- Mirmohammad Sadeghi, Hossein. (2024), International Criminal Law, Mizan Publications, 8th Edition.[In Persian]
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa. (2004), International Humanitarian Law and the Islamic Approach, Islamic Sciences Publishing Center, Second Edition.[In Persian]
- Muthanna, A., Almahfali, M. & Haider, A.◦(2022)◦ The Interaction of War Impacts on Education: Experiences of School Teachers and Leaders, Education Sciences, Vol. 12◦ No. 10.
- Myriam Benraad(2024)◦ Scholasticide, Educide, Epistemicide: Israel's War on Gaza, "Revenge Against Knowledge"◦ Confluences Méditerranée◦ No. 131.
- Nair◦ Sandhya(2017)◦ Child Soldiers and International Criminal Law: Is The Existing Legal Framework Adequate To Prohibit The Use of Children in Conflict?◦ Perth International Law Journal◦ No. 40.
- Najandi Manish, Heibatullah and Mohammad Afrogh (2011), Protection of Cultural Property during Armed Conflicts: A Review of the Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Journal of Legal Research, Volume 10, Number 20. [In Persian]
- Norouzi, Meysam and Gholamali Abdollahzadeh. (2024), The mutual influences and innovations of international humanitarian law and international criminal law in the development and evolution of international law, Legal Research Quarterly, Volume 27, Issue 4, DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.230253.2429>[In Persian]
- Nsama Jonathan ◦ Simuziya (2023)◦ The (il)legality of the Iraq War of 2003: An Analytical Review of the Causes and Justifications for the US-led invasion◦ Cogent Social Sciences ◦ Volume 9, Issue 1.
- Oguno◦ Onuora(2019)◦ Development and the Right to Education in Africa◦ Springer.
- Pourbafrani, Hassan. (2024), International Criminal Law, Jangal Publications, 15th edition.[In Persian]

- Rabaia, Ibrahim & Lourdes Habash(2024), Destruction of Higher Education (Educide) in The Gaza Strip: Assessment and Support Mechanisms, AFD.
- Rabaia, Ibrahim s.i & Lourdes Habash(2024), The Hidden War on Higher Education: Unmasking the 'Educide' in Gaza, in: POMEPS Studies 51: The War on Gaza and Middle East Political Science, Publisher: The Project on Middle East Political Science (POMEPS).
- Salimi Turkmani, Hojjat (2018), The Right to Development as a Human Right in the Scope of International Energy Law, Journal of Energy Law Studies, Volume 4, Number 2, DOI: <https://doi.org/10.22059/jrels.2019.259813.210>
- Salimi, Sadeq et al. (2024), Interaction of International Humanitarian Law and Human Rights with Emphasis on the Practice of International Criminal Courts, Journal of Criminal Law, Volume 15, Number 1 (Serial 29), DOI: <https://doi.org/10.22124/jol.2023.24014.2373>. [In Persian]
- School of Law(2023), 20 Years Since the Iraq War: On Law and War, Queens University Belfast Publication.
- Shahbazi, Aramesh and Katayoun Ashrafi (2025), Critical Analysis of the Approach of International Courts in Facing Crimes Against Cultural Heritage with a Focus on the Case of Ahmad Al-Mahdi, Bi-Quarterly Journal of Research and Development in CrimiDnal Law and Criminology, published online. [In Persian]
- Some of authors. (1424 AH), Jihad in the Mirror of Narratives, Zamzam Hedayat Publications, first edition.[In Persian]
- Some of authors. (1429 AH), Thematic Dictionary of Jihad and Defense, Zamzam Hedayat Publications, first edition.[In Persian]
- Traxler, J. and et al.(2019), Living Under Occupation: Palestinian Teachers' Experiences and Their Digital Responses, Research in Learning Technology, Vol. 27.
- Vakil, Amir Saed and Afshin Gheshlaqi Nigjeh (2020), Protection of World Cultural Heritage in the Procedure of the International Criminal Court, Scientific Quarterly of Judicial Law Perspectives, Volume 26, Number 94.[. In Persian]
- Vesco, Paola & Et. Al.(2025), The Impacts of Armed Conflict on Human Development: A Review of the Literature, World Development Journal, No. 187.
- Vrdoljak, A. F. (2016), The Criminalisation of the Intentional Destruction of Cultural Heritage. In M. Orlando & T. Bergin (Eds.), Forging a Socio-Legal Approach to Environmental Harm: Global Perspectives, Routledge Publication.
- Walklett, Sandra and Ross McGarry (2021), Criminology and War, translated by a group of authors (with the help of Hamid Reza Nikokar), Mizan Publications, first edition. [In Persian]
- Zobdeh, Mohammad and Hossein Haghighatpour. (2023), A Comparative Study on Civilian Immunity and Its Decline in Islamic and International Humanitarian Law Systems, Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies, Volume 12, Issue 3.[In Persian]
- Zamani, Seyyed Ghasem and Shahriar Nasiri (2020), Criminalization of Drug Trafficking as an International Crime in the Mirror of International Criminal Law, Journal of Taali of Law, Year 12, Issue 2.[In Persian]
- Zamani, Seyyed Ghasem et al. (2009), Protection of Cultural Property in Armed Conflicts, Khorsandi Publications, First Edition [In Persian]
- Zamani, Seyyed Ghasem et al. (2023), Principles of International Humanitarian Law in the Face of New Military Weapons: Challenges and Solutions, Journal of Legal Studies, Volume 22, Issue 54, DOI: <https://doi.org/10.48300/jlr.2022.326618.1939>. [In Persian]
- Zebardast, Sharara (2023), Review of the Convention for the Protection of Cultural Property in the Law of International Armed Conflicts, Qanun Yar Journal, Year 8, No. 32. .[In Persian]
- Zgonjanin, Sanja(2005), The Prosecution of War Crimes for the Destruction of Libraries and Archives during Times of Armed Conflict, Libraries & Culture, Vol. 40, No. 2.
- Ziaei Bigdali, Mohammad Reza. (2021), International Humanitarian Law, Ganj Danesh Publications, 6th Edition.[In Persian]